



نخستین داستان نویس زن ایرانی

صفدر تقی زاده



● در سومین شماره «کتاب سخن» که در تابستان سال ۱۳۷۱ منتشر شده درباره پرویز ناتل خانلری و همسرش زهرا کیا (زهرا خانلری) که هر دو به فاصله شش ماه در نیمه دوم سال ۱۳۶۹ چشم از جهان فرو بستند، مطالبی همراه با چند طرح و عکس از آن‌ها به چاپ رسیده است. در میان این عکس‌ها عکسی است به احتمال مربوطه به اوایل دهه ۱۳۲۰ که به نوعی تأمل برانگیز است: گروهی از استادان دانشکده ادبیات همراه با دانشجویانی که در آن سال فارغ التحصیل شده‌اند، مقابل دانشکده عکسی به یادگار گرفته‌اند، بیست و شش آقا با کت و شلوار و کراوات در دو ردیف ایستاده‌اند و در میان ردیف اول تنها یک خانم با کت و دامن دیده می‌شود. این خانم همین زهرا کیا است که چندی بعد، همسر پرویز ناتل خانلری شد و نام زهرا خانلری را برای خود برگزید، شاید نخستین زن ایرانی که از دانشگاه تهران به دریافت درجه دکتری در رشته ادبیات فارسی نایل آمد. زهرا خانلری بعد از یکی دو اثر داستانی کوتاه، به داستان نویسی ادامه نداد و یکسره به کار ترجمه و تحقیق ادبی پرداخت.

سیزده سال پیش از او، اگر چنین عکسی از استادان دانشکده ادبیات آن زمان گرفته می‌شد، باز تنها یک زن در میان جمع استادان و دانشجویان بود، با این تفاوت که این زن، خانم فاطمه سیاح درجه دکتری‌اش را از خارج از ایران گرفته بود و بعد به ایران آمده بود و در دانشگاه تهران مشغول تدریس شده بود، نخستین زنی ایرانی که کرسی درس زبان و ادبیات روس و میز کرسی استادی سنجش ادبیات زبان‌های خارجه و درس ادبیات تطبیقی دانشگاه تهران به او محول شد، زنی نویسنده و منتقد ادبی (هرچند نه داستان نویس) که مقاله‌های زیادی در باب ادبیات اروپا

و نیز درباره فردوسی و حافظ و جمال زاده و هدایت در مجله‌های ایران امروز، پیام نو، مهر و سخن انتشار داد. خانم سیاح گذشته از زبان روسی، به زبان‌های فرانسوی و آلمانی و انگلیسی و ایتالیایی هم تسلط داشت. اگر از لحاظ تاریخی، صحنه ادبی کشورمان را در یک دوره دراز، از دوره مشروطیت تا سال انتشار کتاب «آتش خاموش» اثر سیمین دانشور، یعنی نخستین مجموعه داستانی نسبتاً پرداخته و هنری یک زن ایرانی، در نظر مجسم کنیم، بی‌توجه به چند نویسنده بازاری تنها حضور دو زن علاقه‌مند و تحصیل کرده را در این دوران گسترده از لحاظ زمانی می‌بینیم و چه بسا به این نتیجه برسیم که در عکس‌های بعدی فارغ التحصیلان درجه دکتری رشته ادبیات فارسی تا سال ۱۳۲۸ هم هیچ زنی وجود نداشته است. واقعیتی تأسف بار و تأمل برانگیز. جامعه اجازه رشد و نمو فرهنگی به زن‌ها نمی‌داد. اوضاع و احوال اجتماعی و محدودیت‌های رایج و دیدگاه‌هایی که نسبت به زن در جامعه وجود داشت موجب شده بود که زن‌ها از فضای مناسب برای آفرینش‌های ادبی و داستانی بهره‌مند نباشند.

در اوایل دهه ۱۳۰۰، سیمین دانشور ظهور می‌کند، در امتحانات نهایی دوره متوسطه شاگرد اول سراسر کشور می‌شود، به دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات می‌پیوندد و در ۲۷ سالگی مجموعه داستان «آتش خاموش» را به چاپ می‌رساند و یک سال بعد به اخذ درجه دکتری ادبیات فارسی نایل می‌آید و باز یک سال بعد با جلال آل احمد، نویسنده و مبارز اجتماعی مطرح آن سال‌ها ازدواج می‌کند. دو سال بعد با استفاده از بورس تحصیلی به آمریکا می‌رود و در دانشگاه استنفرد در رشته زیبایی شناسی به مطالعه می‌پردازد و در سال ۱۳۴۰ مجموعه داستان «شهری چون بهشت» را به چاپ می‌رساند. در سال ۱۳۴۸ از یک سو، همسرش جلال آل احمد را از دست می‌دهد و از سوی دیگر شاهکار خود رمان «سووشون» را منتشر می‌کند، رمانی که بیش از هر چیز، نمایانگر استعداد زن ایرانی در خلق آثار ادبی ارزنده در سطح جهانی است و نیز نمایانگر این واقعیت که زن ایرانی در طول این مدت چگونه پشت پرده اختناق بوده و ذوق و قریحه‌اش رشد نیافته و سرکوب شده است. به این دلیل است که باید ظهور رمان «سووشون» را برگشته‌گاه مهم و افتخار آفرینی در تاریخ ادبیات فارسی دانست. از این تاریخ ما صاحب رمانی کامل با ساختاری سنجیده و شخصیت پردازی دقیق و سبک و سیاقی به قاعده، با نگاه زنانه به مشکلات عاطفی و اجتماعی کشورمان شدیم که نویسنده‌اش به ویژه حال و روز زن ایرانی و رنج‌ها و سختی‌هایی را که در طول تاریخ کشیده بود خوب می‌شناخت. نگاه نویسنده به روابط خانوادگی و مسایل حساس تاریخی و سیاسی و حضور زن در صحنه مبارزات سیاسی در این زمان، تازه و کاویده است و از زن ایرانی تصویری می‌بینیم که با آن چه در آثار نویسندگان مرد به این زن شده تفاوتی فاحش دارد. «سووشون» رمانی پر فراز و نشیب است با نثری روان و خوشخوان. درونمایه رمان، تلاش و مبارزه برای ارتقای شأن انسانی و بیداری وجدان عمومی است که در خلال زندگی مردم شهری در منطقه فارس در سال‌های جنگ جهانی دوم رخ می‌نماید و سرانجام به آگاهی و بیداری گروهی از مردم می‌انجامد. شخصیت برجسته رمان زری همسر یوسف قهرمان اول رمان است که خود ماجراها را روایت می‌کند. زری رفته رفته شخصیتی قوام یافته می‌یابد و می‌کوشد فضای آشوب زده پیرامونش را آرام کند.

برخورد نیروهای ارتشی با عشایر و درگیری خان‌های قشقایی و ناامنی‌های اجتماعی و شیوع بیماری تیفوس در دوره‌ای که ایران در اشغال متفقین است، روسیه در شمال و آمریکا در مرکز و انگلیس در جنوب جنبه تاریخی رمان را پررنگ‌تر می‌کند. سرانجام نیروهای اشغالگر به کمک مزدوران محلی خود مقاومت رزمندگان را در هم می‌شکنند و یوسف را می‌کشند. مردم در تشییع جنازه یوسف شرکت می‌جویند و تظاهراتی پرشکوه برگزار می‌کنند و به این ترتیب، زری و نیز دست کم بخشی از جامعه به نوعی بیداری و آگاهی می‌رسند. رمان «سووشون» در شمارگانی بی‌سابقه در تاریخ ادبیات داستانی ما انتشار یافت و اکنون باید این رمان را یک اثر کلاسیک مدرن نامید. این رمان هم در انگلیس و هم در آمریکا دوبار ترجمه شده است. «سووشون» از زاویه دید یک زن ایرانی نوشته شده است همراه با اصطلاحات عامیانه و آداب و رسوم محلی و مسایل مذهبی و باورهای «سیاوشونی» و کمابیش اسطوره‌ای. نویسنده رمان خود را به همسرش آل احمد تقدیم کرده است. به نظر می‌رسد

که در سووشون یوسف نماد آل احمد باشد و زری نماد خود نویسنده که سخت شیفته اوست. «سووشون» ساختاری استوار و زبانی روان و همه فهم دارد. دانشور هیچ گاه از نثر آل احمد که دست کم سه دهه یک تاز میدان نویسندگی بود تأثیر نپذیرفت و زندگی مشترک در شیوه نگارش او اثر نگذاشت و استقلال خود را حفظ کرد.

سیمین دانشور از جمله داستان نویسان ایرانی است که به زبان انگلیسی تسلط کامل دارد و از همان زمانها آثار داستانی نویسندگان امریکایی و انگلیسی و نویسندگان دیگری مثل آنتوان چخوف را که آثارش به زبان انگلیسی ترجمه شده بود می خواند و گاه به ترجمه آنها می پرداخت. تأثیری که ترجمه رمان و داستانهای کوتاه غربی بر تحول داستان نویسی ما داشته غیر قابل انکار است و این امر به ویژه در مجموعه داستانهای «آتش خاموش» و به میزان کمتری در «شهری چون بهشت» آشکار است. یکی از ترجمه های دلنشین او کتاب «کمدی انسانی» اثر ویلیام سارویان نویسنده ارمنی تبار امریکایی است که در سال ۱۳۳۳ منتشر شده است، یعنی چیزی حدود هفت سال پیش از انتشار مجموعه داستان «شهری چون بهشت». قهرمان رمان «کمدی انسانی» پسرکی نامه رسان است که تلگرافهایی را که حاوی خبر مرگ فرزندان خانواده هاست به سراسر شهر می رساند. در این رمان ساده و گیرا، انسان دوستی و همدردی نویسنده کتاب یعنی ویلیام سارویان نسبت به مردم شهر که جنگ از راه دور آنها را زخمی کرده است موج می زند و از زبان قهرمانش آروز می کند که این دنیا بعد از جنگ دنیای بهتری شود. هر چند نمی توان منکر تأثیرپذیری دانشور از این ترجمه ها شد، با این همه او به داستانهای خود رنگ و مایه بومی زیادی بخشیده و حتی در یکی از داستانها، لهجه مردم جنوب ایران را به خوبی به کار گرفته است. خوشبختانه دانشور چندان مسحور کار ترجمه نشد که نویسندگی اش را یکسره رها کند و به ترجمه بپردازد. او خود در این زمینه گفته است «بسیاری از ما ... همه در اصل قربانی ترجمه شدیم، چون کارمان خریدار نداشت... همه رو به ترجمه آثار غرب بردیم. به جای این که نویسنده باشیم مترجم شدیم».

سیمین دانشور هر چند بیست سال به تدریس در دانشگاه تهران پرداخت و بسیار محبوب دانشجویان و استادان بود هرگز به رتبه استادی ارتقا نیافت، چون ظاهراً سلاواک اجازه چنین کاری را نمی داد. بهانه های دیگری هم بود. با دانشجویان با مهربانی رفتار می کرد. خودش گفته است «درس من زمزمه محبت هم بود و مدارانه و خواهرانه و خودمانی و صمیمی با دانشجویان برخورد می کردم، اجازه شرکت در بحث و اظهار نظر به آنها می دادم و مشکلات روانی و خانوادگی شان را هم در خارج از کلاس و در صورت امکان حل می کردم».

دانشور از لحاظ مشرب فکری، آزاده و آزاده اندیش بود و پابند هیچ ایدئولوژی خاصی نشد. در اوایل دهه پنجاه البته در جایی گفته است «آیا یکی از وظایف نویسنده این نیست که به مردم «وطن فقیر» خود کمک کند تا برای بهبود وضع خود قیام کنند؟ آیا مسئولیت او نیست که سرنوشت و نگون بختی های مردم را چون آینه ای در صفحات رمان خود منعکس کند و از این راه به آنها نشان دهد که چگونه می تواند شرایط زندگی خود را بهتر کند؟ من می خواهم یک نویسنده شوم. من همیشه این آرزو را داشته ام. می خواهم با محرومان ملت همدردی کنم. من راهم را انتخاب کرده ام». او تحت تأثیر چخوف است که چنین سخنانی را بر زبان آورده است اما هیچ گاه به دسته و گروه و حزبی وابسته نبوده است. بینش مسلط او اعتدال است و درونمایه مسلط داستانهایش آزادی های بنیادی زن و جهان بینی مسلط او، امید به آینده. او هرگز تسلیم یاس و نومیدی نشده است، نه بعد از آن شکست بزرگ مبارزات جانانه به رهبری مصدق و ملی شدن صنعت نفت و نه بعد از مرگ ناگهانی و مشکوک آل احمد که ضربه هولناکی بود و هر انسانی را از پا می انداخت. او حقیقتاً آل احمد را دوست می داشت و از او برای خود چهره های اسطوره ای یا یک ابر مرد ساخت. کتاب غروب جلال در زمستان. این عشق و شیفتگی را به او نشان می دهد. او دغدغه دیگری نداشته است جز حرمت اعتقاد به مردم و وطنش و نگاه انسان دوستانه و دلسوزانه به مردم محروم و به ویژه به زنان ستم کشیده. او بعد از جلال آل احمد هرگز گوشه نشین و منزوی نشده است.

شاید در میان مجموعه داستانهای کوتاهش مجموعه «به کی سلام کنیم» از همه پرداخته تر باشد با درونمایه نقد رویدادهای اجتماعی و استبداد حاکم بر جامعه آن ایام. داستان «سوترا» در این مجموعه داستانی است با قوه تخیل نیرومند در دنیای جادویی پریان و با نثری استوار و تأثیرگذار که پایان امیدوارانه ای دارد. همچنین خود داستان «به کی سلام کنیم» هم داستان قوام یافته ای است که نویسنده در آن توانایی خود را در نمایش ذهنیت های زنانه نشان داده است.

سیمین دانشور انسانی ذاتا مهربان و دوست داشتنی است که خلق و خوبی خوش

و محضری گرم دارد. یکی از ویژگی های او و همسرش جلال آل احمد این بود که با جوانان علاقه مند به ادبیات و بخصوص با شهرستانی ها صمیمانه و خودمانی رفتار می کردند. در آن ایام ما در آبادان بودیم و تابستانها یکی دو ماهی به تهران می آمدیم. کتاب «چرخ فلک» اثر اوتور شینتسلر به ترجمه صفریان و من، تازه منتشر شده بود. خود سیمین خانم قبلاً کتاب «بئاتریس» اثر شینتسلر را ترجمه و چاپ کرده بود. آن سال من تنها به تهران آمده بودم. آنها مرا از طریق غلامحسین ساعدی به خانه خود دعوت کردند در روزی که یکی از خاورشناسان روسی هم که به فارسی صحبت می کرد آمده بود و مهمان آنها بود.

صحبت هایی در باب ترجمه آثار داستانی از جمله ترجمه آثار نویسندگان مدرن امریکایی به میان آمد. خانم دانشور از میان آثار نویسندگان امریکایی، کتابهای «داغ ننگ» اثر ناتانیل هاتورن و «کمدی انسانی» اثر

«سووشون» زمانی پر فراز و نشیب است با نثری روان و خوشخوان درونمایه رمان تلاش و مبارزه برای ارتقای شان انسانی و بیداری وجدان عمومی است

ویلیام سارویان را به فارسی ترجمه کرده بود. به نظر می رسید که آن ها با نویسندگانی مثل همینگوی و فاکتز و اشتاین بک میانه چندان نداشتند. آن خاور شناس روسی هم اثری از این نویسندگان نخوانده بود. من از کتاب «کمدی انسانی» با شور و شوق زیاد تعریف کردم و خانم دانشور با لهجه شیرازی اش نکته می پراند و شوخی می کرد. دعوت شان کردم به آبادان بیایند. قرار شد با ساعدی بیایند. نشد. ساعدی آمد و آنها نیامدند. دیدار آن روز از جمله خاطره های خوش و ماندنی من از آن ایام است.

آخرین اثر سیمین دانشور، رمان سه گانه ای است که دو رمان اول آن به نامهای «جزیه سرگردانی» و «ساریان سرگردان» منتشر شده است. رمان «جزیه سرگردانی» پس از قریب سی سال سکوت نویسنده در سال ۱۳۷۲، ظاهراً بیست سالی پس از نگارش آن به چاپ رسیده است. نویسنده در این رمان از پاره ای از شگردهای تازه داستان نویسی سود جسته است، از جمله از حضور خود نویسنده و نیز حضور چند شخصیت واقعی دیگر مثل جلال آل احمد، دکتر شریعتی، خلیل ملکی و غلامحسین ساعدی. درونمایه رمان بیشتر سرگردانی شخصیت هاست، چه شخصیت های واقعی و چه شخصیت های تخیلی و نیز جوانان که نویسنده آنها را رها و سرگردان می نامد.

سیمین دانشور در به کار گرفتن شیوه های تازه داستان نویسی شیوه اعتدال را می پسندد. او در باره ی هوشنگ گلشیری گفته است که تنها اشکال آثار گلشیری ابهام آن است. کار وقتی خیلی ابهام داشته باشد سترون کننده است. در رمان «ساریان سرگردان»، دیدی تندتر و انتقادی تر و شاید خشمگین تر پیدا کرده است و جنبه اجتماعی - سیاسی اثر پررنگ تر شده است، انگار با نوعی پشیمانی از نرملی که در گذشته در پیش گرفته بود، می خواهد دق دلی هایش را خالی کند، هم از نظر زندگی شخصی و هم از نظر اندیشه های سیاسی فرهنگی رایج در گذشته و نقشی که در تحولات اجتماعی می بایست داشته باشد.

جلد سوم رمان هنوز منتشر نشده است. شهرت و اعتبار سیمین دانشور در کسوت یک رمان نویس پیشکسوت، تأثیرگذار و ماندگار، پیش از انتشار این دو رمان به چنان مرتبه ای رسیده بود که اگر این اثر سه گانه هم منتشر نمی شد، همچنان استوار و پایرجا می ماند.

سیمین دانشور در تاریخ داستان نویسی ایران و به ویژه داستان نویسی زنان ایران، چهره ای یگانه و است چاپ و نشر آثار داستانی او تحولی در تاریخ داستان نویسی ایران به وجود آورد و خلأ نبود یک رمان نویس آگاه به رموز فوت و فن داستان نویسی را پر کرد و به زنان دیگر این جرأت را بخشید که ذوق داستان نویسی خود را بیازمایند و راه او را پی بگیرند. اکنون ما چیزی حدود دو بیست نویسنده و داستان نویس زن داریم، منهای نویسندگان داستان های عامه پسند.